دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ٤، شماره ٦، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص۵۱-۷۳

کاربرد روانشناسی اجتماعی در توسعه روستایی ایران

حبیب احمدی[۱]
احسان معصومی[۲]
داریوش حیاتی[۳]

چکیده

مفهوم توسعه به‌طور عام و توسعه روستایی به‌طور خاص، دارای ابعاد بسیار وسیع و گسترده‌ای می‌باشد. ازاین‌رو، مطالعه و بررسی ابعاد مختلف آن نیازمند دیدگاه‌های مختلف و در نتیجه رشته‌های متفاوت می‌باشد. روان‌شناسی اجتماعی یکی از علومی است که در مطالعات و مباحث توسعه روستایی نادیده گرفته شده است. رشته روانشناسی اجتماعی به‌عنوان علمی کاربردی، می‌تواند در راستای مباحث و مسائل توسعه روستایی مورد استفاده قرار گیرد. ازاین‌رو، بررسی ظرفیت کاربرد این رشته در توسعه روستایی ایران هدف این مطالعه مروری بود. در این راستا، ابتدا مسائل و مشکلات توسعه روستایی ایران مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن به تحلیل کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در آن‌ها پرداخته شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که روان‌شناسی اجتماعی در سه سطح مسائل روستا از قبیل مسائل مفهومی، مدیریتی و آشکار ظرفیت کاربرد بالایی دارد. در پایان، پیشنهاداتی برای چگونگی کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در توسعه روستایی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: روان‌شناسی اجتماعی؛ توسعه روستایی؛ مسائل روستاهای ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹٦/۰۸/۰٦ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹

[۱] . استاد بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی؛ دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی؛ دانشگاه شیراز
hahmadi@Rose.shirazu.ac.ir

[۲] . دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
ehsan.masoomi@shirazu.ac.ir

[۳] . استاد بخش ترویج وآموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز
hayti@shirazu.ac.ir

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه و بیان مسئله

نواحی روستایی به لحاظ منافعی که از جنبه‌های محلی و ملی دارند، حائز اهمیت بسیار زیادی هستند (Drăgulănescu & Druțu, 2012). همچنین، این نواحی دارای جایگاه ویژه‌ای در آمارهای مختلف جمعیت‌شناسی و جغرافیایی می‌باشند. این آمارها نشان می‌دهد که مردم جهان بیشتر در روستاها مستقر هستند (Hossain & Uddin, 2006). بیش از ٥٠ درصد از مردم جهان (Colosio et al., 2016) و حدود ٧٠ درصد از مردم آسیا (Challe et al., 2017) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. شواهد مختلفی نشان می‌دهند که بیشترین آمار فقر در جهان مربوط به نواحی روستایی است (Khan et al., 2016; Raju et al., 2017). این آمار و ارقام بیانگر آن است که پرداختن به مباحث توسعه روستایی به‌اندازه کافی موجه است. نگاهی به روند جمعیتی شهر و روستای ایران در گذر زمان در جدول ١، می‌تواند به درک اهمیت مبحث توسعه روستایی کمک نماید. بر اساس این روند، از سال ١٣٣٥ تا سال ١٣٩٥ روند جمعیت روستانشینی معکوس شده است.

جدول ١: تغییر روند جمعیت شهرنشین و روستانشین در ایران (مرکز آمار ایران، ١٣٩٥)

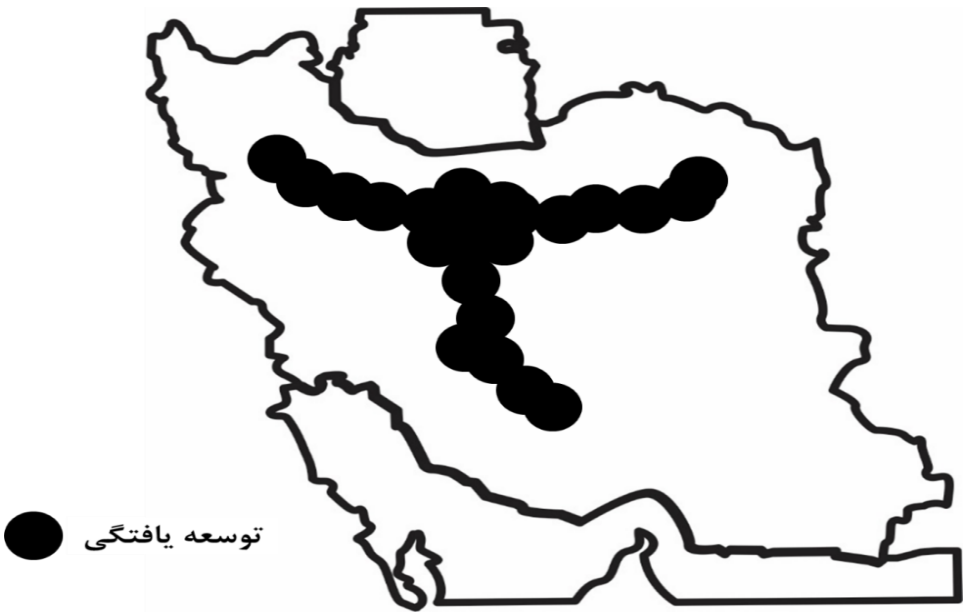
سال	روستانشینی (٪)	شهرنشینی (٪)
١٣٣٥	٦٨/٦	٣١/٤
١٣٤٥	٦٢/١	٣٧/٩
١٣٥٥	٥٣	٤٧
١٣٦٥	٤٥/٧	٥٤/٣
١٣٧٠	٤٢/٩	٥٧/١
١٣٧٥	٣٨/٧	٦١/٣
١٣٨٥	٣١/٥	٦٨/٥
١٣٩٠	٢٨/٦	٧١/٤
١٣٩٥	٢٦	٧٤

اگر مفهوم توسعه، بازتابی از رشد صنعتی باشد؛ احتمال توسعه‌یافتگی ایران باید با توجه به این روند، افزایش یافته باشد. اما مفهوم توسعه فقط به معنای گسترش شهرنشینی نیست. از الزامات توسعه، تعادل است. توسعه مطلوب، همان توسعه متوازن است. توازن در توسعه با مفهوم مکان

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

محور بودن آن قابل توضیح است. توسعه، مفهومی مکان محور[1]است و به‌جای افزایش، نیازمند توزیع جمعیت است. اگر یک ناحیه به لحاظ مکانی نامتعادل باشد، ظرفیت توسعه متوازن را نخواهد داشت. توسعه متعادل در ایران در صورتی رخ خواهد داد که جمعیت آن به لحاظ مکانی توزیع یکنواختی داشته باشند. عدم توجه به مبحث توسعه روستایی در یک منطقه باعث می‌شود که جمعیت روستاها به سمت شهرها هجوم برند، به این دلیل که چیزی به نام توسعه‌یافتگی روستایی وجود نخواهد داشت و جذابیت‌های شهری هر روزه برای جمعیت روستا بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر، توسعه نامتوازن در یک کشور باعث می‌شود که مناطق خاصی موردتوجه قرار گیرند. همان اتفاقی که اکنون در ایران رخ داده است و توجه خاص به مناطق ویژه شهری و شهرهای بزرگ و اصلی کشور، منجر به ایجاد یک صلیب توسعه در ایران شده است که در آن استان‌هایی مثل تهران، خراسان، آذربایجان، فارس و اصفهان موردتوجه ویژه قرار گرفته‌اند و سایر نواحی از فرصت‌های توسعه محروم‌اند (نمودار ۱). روستاها در چنین حالتی همواره وضعیت پیرامونی دارند و هر روز از مناطق شهری به میزان بیشتری عقب می‌مانند. بنابراین توجه به توسعه روستایی در چنین شرایطی اهمیت بسیار زیادی می‌یابد.



نمودار ۱: صلیب توسعه در ایران

1. Local based

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

در مباحث توسعه باید به این نکته توجه شود که ماهیت مطالعات توسعه روستایی با توسعه شهری بسیار متفاوت می‌باشد. چمبرز (Chambers, 2014) اشاره می‌کند که علاقه پژوهشگران به سمت مطالعات شهری رفته است، زیرا ماهیت مطالعات شهری نسبت به مطالعات روستایی، ارزان‌تر، ایمن‌تر و کارآتر است. این مسئله، ضرورت توجه به نواحی روستایی و مباحث توسعه روستایی را دوچندان می‌سازد.

توسعه روستایی یک فرآیند پایدار و باثبات از تغییرات اقتصادی، اجتماعی و محیطی می‌باشد که برای پیشرفت و بهبود بهروزی بلندمدت کل اجتماع طراحی شده است (Moseley, 2004). ازاین‌رو، این مفهوم دارای ابعاد بسیار گسترده و سطوح متفاوتی می‌باشد. بنابراین، بررسی مسائل مربوط به توسعه روستایی نیازمند نگاه‌های متفاوت از زوایای گوناگون است (Van der Ploeg, 1994). در همین راستا، برای تحلیل موانع بر سر راه توسعه روستایی لازم است که این مفهوم از چشم‌اندازهای مختلف، مورد بررسی قرار گیرد. ازآنجاکه مفهوم توسعه و توسعه روستایی بر انسان تأکید می‌کند و اهداف انسانی در آن دنبال می‌شود و از طرف دیگر دارای ماهیت و طبیعت اجتماعی می‌باشد (Chambers, 2014)، نگاه انسانی و اجتماعی به این مفهوم یکی از چشم‌اندازهای مهم بررسی آن خواهد بود. ازاین‌رو، مطالعات و رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در زمینه توسعه و توسعه روستایی اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. فعالین در عرصه توسعه روستایی باید توجه داشته باشند که چنین رشته‌های انسانی و اجتماعی با توجه به تغییرات جهانی از سرعت تحول بسیار بالایی برخوردار هستند. ازاین‌رو، لازم است که همراستا با چنین تحولاتی، مفاهیم جدید علوم انسانی و اجتماعی در توسعه روستایی به کار گرفته شوند. یکی از رشته‌هایی که بر اساس چنین تحولاتی پدید آمده است، روانشناسی اجتماعی[1] می‌باشد که کارآیی بسیار بالایی در مباحث انسانی و اجتماعی دارد. این رشته، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است و اثرات افراد بر رفتار یکدیگر در زندگی جمعی را مطالعه می‌نماید (احمدی، ١٣٩٣).

در دهه های اخیر، روانشناسی اجتماعی به عنوان علمی کاربردی مطرح شده و در سیاست، بهداشت، حقوق، تبلیغات، آموزش و پرورش و توسعه استفاده می شود. روانشناسی اجتماعی به عنوان علم مطالعه رفتار اجتماعی انسان، به توصیف و واکاوی رفتار اجتماعی مردم می پردازد. گوناگونی فرهنگی برای روانشناسان اجتماعی بسیار مهم است. زیرا مطالعه الگوهای الگوهای متفاوت رفتار اجتماعی که موضوع روانشناسی اجتماعی است، به شدت با تفاوت های فرهنگی

[1] Social Psychology

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

جوامع ارتباط دارد. این ها ویژگی هایی هستند که علم روانشناسی اجتماعی را به عنوان علمی سازنده برای بررسی مباحث توسعه روستایی مطرح می کند.

مطالعات رفتاری در زندگی روستایی بسیار اهمیت دارد، زیرا ماهیت کار و زندگی مردم روستایی به شکل قابل‌ملاحظه‌ای اجتماعی می‌باشد (Vanclay, 2004). اکنون ممکن است این ابهام مطرح شود که این مسئله را علم جامعه شناسی (و به طور ویژه جامعه شناسی روستایی) مورد بررسی قرار می دهد و دیگر نیازی به روانشناسی اجتماعی نیست. اما تفاوت اساسی روانشناسی اجتماعی با جامعه شناسی این است که جامعه شناسی تنها به مطالعه گروه ها می پردازد در حالی که روانشناسی اجتماعی به مطالعه افراد میان گروه ها می پردازد (احمدی، ۱۳۹۳). این در حالی است که بسیاری از موضوعات توسعه روستایی نیازمند بررسی رفتار افراد میان گروه ها می باشد. باوجود دستاوردهای مهم روانشناسی در عرصه‌های مختلف و مرتبط با توسعه و توسعه روستایی، این مفهوم هنوز جایگاه چندانی در مباحث و مطالعات توسعه روستایی ایران ندارد و از آن بهره‌گیری نمی‌شود. ازاین‌رو، هدف این پژوهش، تحلیل کاربرد روانشناسی اجتماعی در توسعه روستایی ایران می‌باشد. اما پیش‌نیاز هر نوع تحلیلی، توصیف است. برای بررسی نقش روانشناسی اجتماعی در توسعه روستایی ایران باید مسائل مربوط به روستا را توصیف نمود؛ توصیفی که پاسخگوی سؤالات مرتبط با توسعه روستا باشد. سؤالاتی از قبیل "چه مسائل و مشکلاتی در مناطق روستایی ایران وجود دارد؟". این‌گونه سؤالات، اثرگذاری روانشناسی اجتماعی در برطرف شدن این مسائل را روشن می‌نماید. چنین توصیفی به نقش کاربردی و عملیاتی علم روانشناسی اجتماعی در تسهیل مسائل، چالش‌ها، تنگناها و همچنین برطرف نمودن مشکلات موجود بر سر راه توسعه روستایی ایران کمک خواهد نمود. بنابراین، در این مطالعه سعی بر آن است تا در گام نخست، با استفاده از ادبیات توسعه روستایی ایران، مسائل و مشکلات روستاها توصیف گردد و پس از آن کاربرد مفاهیم و نظریه‌های روانشناسی اجتماعی در این مسائل، تحلیل شود.

روش پژوهش

مطالعه حاضر از جمله پژوهش‌های مروری می‌باشد و به روش تحلیلی–اسنادی انجام شده است. از آنجا که هدف این پژوهش، بررسی نقش روان‌شناسی در توسعه روستایی می‌باشد، در این مطالعه در دو مرحله به بررسی دو رشته توسعه روستایی و روان‌شناسی اجتماعی پرداخته شده است. در مرحله اول، مشکلات روستاهای ایران با بهره‌گیری از منابع و مستندات موجود در ادبیات مربوط به توسعه روستایی ایران مورد بررسی قرار گرفته و طبقه بندی شده‌اند. در مرحله دوم، به بررسی ادبیات

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

روان‌شناسی اجتماعی و کاربرد مفاهیم و نظریه‌های آن در مرتفع شدن مشکلات مطرح شده در مرحله قبل پرداخته شده است. در نهایت، ارتباط دو رشته روان‌شناسی اجتماعی و توسعه روستایی در قالب نمودار ترسیم شده است.

یافته ها و تحلیل

مشکلات روستاهای ایران

توسعه روستایی در ایران با مسائل و مشکلاتی مواجه است. این مشکلات را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود. ابتدا مسائلی که مربوط به خود روستا هستند و به طور آشکاری قابل رؤیت می باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این مسائل ریشه در مشکلات مدیریتی روستا دارند. مشکلات مدیریتی نیز متأثر از برداشت‌های مفهومی اشتباه از توسعه روستایی است. بنابراین سه دسته کلی و مرتبط به هم در مشکلات روستایی، به شکل زیر است:

- مسائل آشکار روستا؛
- مسائل مدیریتی روستا؛
- مسائل مفهومی توسعه روستایی.

مسائل آشکار روستا

مسائل و مشکلات روستا را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد. جنبه‌هایی که با مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و همچنین اقلیمی مرتبط است. این مسائل از این جنبه نیز بسیار حائز اهمیت است که به اختلاف مناطق روستایی و شهری منجر شده است. در ادامه به معرفی برخی از مشکلات مناطق روستایی ایران پرداخته شده است.

مسائل آموزشی و فرهنگی

بسیاری از روستاهای ایران از لحاظ آموزشی و فرهنگی با مشکلات زیادی مواجه هستند. نتایج پژوهش محمدزاده لاریجانی (١٣٨٩) نشان داد که مشکلات فرهنگی و آموزشی، از عمده موانع بر سر راه توسعه روستایی ایران می‌باشند. خدمات و امکانات آموزشی در شهرها و روستاها اختلاف بسیار زیادی دارد و مناطق روستایی از فقدان این خدمات و امکانات رنج می‌برند. به‌عنوان‌مثال، بسیاری از روستاها مکان مشخصی به نام مدرسه ندارند و حتی اگر از این مکان برخوردار باشند، با مشکلات متعددی مثل نامناسب بودن فضای کلاس‌ها، نداشتن سیستم‌های سرمایشی و گرمایشی مناسب، فقدان تجهیزات آموزشی و کمبود امکانات بهداشتی لازم مواجه هستند. از طرفی، مدارس روستایی معمولاً با مشکلاتی نظیر کم بودن تعداد معلم و پایین بودن کیفیت آموزشی اداره می‌شوند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

در برخی موارد، ممکن است که یک معلم، مسئولیت تدریس چندین درس غیرمرتبط با تخصص خود را بر عهده بگیرد و یا در مواردی، مسئولیت چندین کلاس در رده‌های مختلف به یک معلم واگذار می‌شود.

سلامت و بهداشت

امکانات سلامتی و بهداشتی در روستاهای ایران بسیار محدود است. این مسئله، به‌ویژه در روستاها اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چراکه روستاییان همواره در معرض آلودگی‌ها و بیماری‌های بسیار بیشتری نسبت به شهرها هستند و همین مسئله، احتیاجات بهداشتی آن‌ها را افزایش می‌دهد. از طرفی فاصله روستاها تا مراکز بهداشتی در شهرها بسیار زیاد است؛ ضمن اینکه زیرساخت‌های مناسبی هم برای رفت‌وآمد به این مراکز وجود ندارد. باوجود این شدت از اهمیت، روستاهای ایران همچنان با کمبود مراکز بهداشتی مواجه هستند. مطالعه خاکی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که نرخ تورم موجود در بخش سلامت، نسبت به نرخ تورم عمومی در اغلب سال‌ها بیشتر بوده و سهم دولت در تقبل هزینه‌های بهداشتی- درمانی جامعه روستایی با افت همراه بوده است. برخی از روستاها دارای مراکزی مثل خانه بهداشت هستند که یک پرستار یا پزشک (معمولاً با تخصص پایین و مشغول گذراندن دوران کارآموزی) یک یا چند روز در هفته در آن حضور پیدا می‌کنند. از طرفی، آموزش‌های بهداشتی در مناطق روستایی ایران بسیار محدود است و خانوارهای روستایی از این جنبه نیز با مشکلات متعددی مواجه هستند.

اشتغال

شغل غالب روستاییان ایرانی کشاورزی است (Hayati & Karami, 2005) و این بخش دارای ظرفیت محدودی در اشتغال‌زایی می‌باشد (تقی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۳). این تمرکز شغلی، خود منجر به بروز مشکلاتی می‌شود. از جمله این مشکلات، تخصیص زمین است. به‌عنوان‌مثال، یک خانوار روستایی با مقدار مشخصی از زمین پس از مدتی در امرار معاش خود به‌واسطه کشاورزی دچار مشکل خواهد شد. ازیک‌طرف کارایی زمین‌های کشاورزی بعد از مدتی به‌شدت افت می‌کند؛ ضمن اینکه هیچ‌گونه سازوکار حفاظتی نیز برای آن در نظر گرفته نمی‌شود. از طرف دیگر، تعداد این خانوار افزایش می‌یابد و پس از آن تعداد بسیار بیشتری باید از آن زمین‌های اندک امرار معاش نمایند. مسئله اشتغال خود منجر به بسیاری مسائل دیگر مثل فقر، مهاجرت و ... می‌شود. توجه به مسئله اشتغال در روستاها یکی از جدی‌ترین مسائل در زمینه توسعه روستایی ایران است و رفع بیکاری در جوامع روستایی نیازمند مطالعات عمیق و ایجاد زمینه‌های شغلی در محیط‌های روستایی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

است. در پی همین اهمیت است که پارادایم‌های جدید توسعه روستایی، تمرکز خود را نسبت به کشاورزی کاهش داده‌اند و به دنبال سایر جنبه‌های اشتغال‌زایی می‌باشند (Wiggins, 2016).

فقر

روستاهای ایران با شدت بسیار زیادی با فقر روبه‌رو هستند (Hayati et al., 2006). فقر روستایی ریشه در مسائل بی‌شماری دارد که ناآگاهی، بیکاری، افزایش بی‌رویه جمعیت، خشکسالی و ... از آن قبیل است و بررسی دقیق این علل، نیازمند مطالعات علمی در رشته‌های مرتبط با توسعه روستایی می‌باشد. البته همان‌گونه که فقر دلایل گوناگونی دارد، خود نیز منجر به پیامدهای گوناگونی مثل مهاجرت و مسائل بهداشتی خواهد شد و از این جنبه از موانع مهم توسعه به‌طور عام و توسعه روستایی به‌طور خاص محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که فقر یکی از تأثیرگذارترین و چالش‌برانگیزترین مسائل روستاهای ایران است.

مسائل اقلیمی

یکی از عمده‌ترین مسائلی که مدت‌هاست گریبان‌گیر کشور ایران و به‌ویژه مناطق روستایی شده است، خشکسالی می‌باشد. شدیدترین و طولانی‌مدت‌ترین خشکسالی‌های ۳۰ سال اخیر در ایران از سال ۲۰۰۳ آغاز شده و بیشتر نواحی روستایی این کشور را در بر گرفته است (Keshavarz et al., 2013). پژوهشگران و کارشناسان، در این زمینه آینده‌ای بحرانی را برای ایران پیش‌بینی نموده‌اند (یزدان‌پناه و منفرد، ۱۳۹۱). خشکسالی از مهم‌ترین موضوعات تغییرات اقلیمی است که زندگی روستاییان را به‌شدت تحت‌الشعاع قرار داده است. نتیجه مطالعه خیاطی و اعظمی (Khayyati & Aazami, 2016) نشان داد که خشکسالی بر سرمایه‌های معیشتی روستاییان اثر منفی گذاشته است. پیامدهای مخرب خشکسالی بر کسی پوشیده نیست، اما مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که راه‌هایی برای مقابله با این پدیده اقلیمی وجود دارد. در ایران، نه‌تنها هیچ‌یک از راهکارهای سازنده به کار گرفته نمی‌شود، بلکه مناطق روستایی این کشور، هرروزه واکنش‌های تخریب‌کننده بیشتری مانند حفر چاه‌های غیرمجاز را تجربه می‌کنند.

کالبد روستا

کالبد روستا از مهم‌ترین مسائل در مطالعات روستایی است و به نظر می‌رسد که کم‌اهمیت‌ترین مسئله در زمینه توسعه روستایی ایران محسوب می‌شود. کالبد روستاهای کشور در حال حاضر از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (عزمی و مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۹). کالبد روستا از چند جنبه قابل‌بررسی است. یکی از این جنبه‌ها حفظ بافت سنتی روستاست. بسیاری از بناهای تاریخی و زیبای روستایی به دلیل عدم حفاظت مناسب، از بین رفته‌اند. از طرفی بسیاری از خانه‌های روستایی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

و بافت‌های روستایی در ایران با توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگ آن روستا ساخته‌شده و در طول زمان شکل گرفته است. تغییر این بافت‌ها و بر هم زدن ساختار روستا به بهانه نوسازی آن‌ها، همواره گام برداشتن در مسیر توسعه روستایی نیست. طرح‌هایی مانند طرح هادی، اگرچه آثار مثبتی داشته‌اند، اما نقاط ضعف زیادی نیز در خود دارند که حاصل عدم مطالعه دقیق در زمینه کالبد روستاست.

زیرساخت‌ها

روستاهای ایران فاقد زیرساخت‌های مناسب هستند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳) و این مسئله یکی از موانع بزرگ بر سر راه توسعه روستایی است. به‌عنوان‌مثال، نامناسب بودن زیرساخت‌های ارتباطی منجر به تعلل در خدمات‌رسانی به مناطق روستایی می‌شود؛ ارتباطات بین شهر و روستا را کاهش می‌دهد و مهم‌تر از همه بازاریابی محصولات روستایی را دچار مشکل می‌کند. روستاییان برای انتقال محصولات و تولیدات مختلف خود به شهر با مشکلات زیادی مواجه هستند. روستا، ظرفیت مصرف تمام محصولات تولیدی خود را ندارد و برای انتقال آن به سایر مناطق، نیازمند زیرساخت‌های ارتباطی مناسب است.

اداره روستا

در نواحی روستایی ایران می‌توان شاهد تعدد بی‌شمار نهادهای تصمیم‌گیرنده بود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، یکی از عمده‌ترین مسائلی که در روستاهای ایران وجود دارد، عدم وجود سازوکار مناسب برای اداره روستاست. سازمان‌های متعددی در روستاهای ایران فعالیت می‌کنند که حیطه وظایف روشن و مشخصی ندارند. به‌عنوان‌مثال، هر زمانی که تشخیص دهند که انجام یک پروژه وظیفه آنان است، آن را مشمول شرح وظایف خود می‌نمایند و هر کاری را که صلاح بدانند از حیطه وظایف خود خارج می‌کنند. نتیجه چنین سازوکاری این است که برخی از امور روستا بدون متولی می‌ماند، چون در شرح وظایف هیچ سازمانی نیست و برخی از آن‌ها نیز در حیطه وظایف چندین سازمان قرار گرفته و تداخل وظایف از انجام شدن آن جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، مراکز مدیریتی مختلف موجود در سطح روستا، نقش سازوکارهای مدیریتی طبیعی خود روستاها را نیز نادیده می‌گیرند. به‌عنوان‌مثال، وجود کدخدا در برخی روستاها بسیاری از مسائل مربوط به آن روستا را رفع می‌نماید؛ اما مراکز رسمی از این ظرفیت‌های مدیریتی استفاده نمی‌کنند.

مهاجرت

نتایج مطالعه تقدیسی و احمدی شاپورآبادی (۱۳۹۰) حاکی از آن است که یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه روستایی در ایران مهاجرت نیروی انسانی از نواحی روستایی می‌باشد که موجب تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی شده و منجر به ناپایداری وضعیت فضاهای روستایی می‌شود.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مجموعه مسائل و مشکلاتی که در روستاهای ایران و برای جوامع روستایی وجود دارد، در نهایت منجر به پدیده مهاجرت می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، مشکلات موجود در روستا عوامل بازدارنده‌ای هستند که زندگی فرد روستایی را در منطقه روستایی خود دشوار می‌سازد. همچنین علاوه بر عوامل بازدارنده درون روستا، عوامل تحریک‌کننده و پیش‌برنده‌ای نیز در جوامع میزبان وجود دارد که فرد را به‌سوی رها کردن روستا و زندگی کردن در مناطق با مشکلات کمتر تشویق می‌کنند.

توزیع جمعیت

مهاجرت از روستا به شهر، در نهایت منجر به بر هم خوردن تعادل و توازن جمعیتی میان روستا و شهر می‌شود. پس از افزایش سرعت حرکت از روستا به شهر، جمعیت شهرها روزبه‌روز افزایش یافته و از جمعیت روستاییان کاسته می‌شود. همان اتفاقی که دقیقاً اکنون در کشور ایران رخ داده است. تا جایی که جمعیت ایران از سال ١٣٣٥ تا سال ١٣٩٠، از ٦٨/٦ درصد جمعیت روستایی به ٢٨/٦ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ١٣٩٥). این مسئله خود مشکلات متعددی را به وجود می‌آورد که از جمله آن‌ها توجه بیشتر به توسعه شهری نسبت به توسعه روستایی است. در چنین شرایطی شهرها روزبه‌روز توسعه‌یافته‌تر و روستاها عقب‌مانده‌تر خواهند شد و پیامد چنین سازو-کاری توسعه نامتوازن و توسعه‌نیافتگی روستایی خواهد بود.

یکی از ریشه‌های مجموعه مشکلاتی که به صورت آشکار در روستا وجود دارد، مربوط به سطوح بالاتر سیاست‌گذاری و مدیریتی می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مسائل مدیریتی روستا

مسائل روستا در سطوح بالاتر، شامل مواردی می‌شود که طی آن، برای توسعه روستایی برنامه‌ریزی می‌شود و در رابطه با طرح‌های توسعه تصمیم‌گیری و برنامه‌های اجرایی تدوین می‌شود. این سطح نیز دچار مشکلات متعددی است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت که یکی از دلایل مشکلات موجود در سطح روستا، همین سطح مدیریتی و تصمیم‌گیری است.

سازماندهی متولیان توسعه روستایی

توسعه روستا و پیش‌نیازهای آن، در یک مجموعه تعریف می‌شوند. عوامل بسیار زیادی دست به دست هم می‌دهند تا سرنوشت توسعه روستایی یک کشور را تعیین کنند. بنابراین، برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات روستایی، درگیری سازمان‌های مختلف را طلب می‌کند و به تبع آن لازم است که این سازمان‌ها از هماهنگی مناسبی برخوردار باشند. یکی از دلایل لزوم سازمان‌ها و متولیان مختلف در بحث توسعه روستایی، تأمین بودجه لازم و کافی است. اگر بتوان هماهنگی لازم را بین متولیان مختلف به وجود آورد، به‌گونه‌ای که به تداخل وظایف منجر نشود؛ می‌توان از عهده بودجه و

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

امکانات زمینه‌ای برای توسعه روستایی برآمد. از ضروریات دیگر سازماندهی متولیان توسعه روستایی، حضور افراد متخصص در عرصه‌های برنامه‌ریزی است. توسعه روستایی نیز مانند هر مبحث دیگری نیازمند متخصصان موضوعی در رشته خود است. اگر این مهم به افراد بی‌تخصص یا افراد متخصص در سایر رشته‌ها محول شود، نتیجه آن به توسعه منجر نخواهد شد.

نیازسنجی دقیق اولویت‌های روستا

گاهی اوقات متولیان توسعه، مدعی توفیق در پیشرفت و بهبود وضعیت روستاهای کشور هستند. اگر دستاوردهای آن‌ها مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گیرد، مسئله کاملاً روشن می‌شود. آن‌ها شاخص‌های توسعه در مناطق روستایی را با معیارهای خود می‌سنجند و بر مبنای آن قضاوت می‌نمایند که پیشرفت چشمگیری حاصل شده است. اگر مردم یک روستا از فقدان آب آشامیدنی رنج ببرند و به همین دلیل هر روز با مسائل بهداشتی دست‌وپنجه نرم کنند، ضرورتی ندارد که متولیان توسعه به ساختن مدرسه یا کتابخانه‌ای بزرگ‌تر در آن روستا اقدام ورزند. در هر گامی، لازم است که ابتدا اولویت‌های روستایی شناسایی شوند و بر مبنای آن‌ها اقدامات لازم صورت گیرد. فعالیت‌هایی که در روستاهای ایران انجام می‌شود با نیازهای مردم روستایی هماهنگ نیست (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین نیازسنجی دقیق ضرورت می‌یابد. هدف اجرای ارزیابی نیازها این است که آیا خدمات جدیدی در منطقه لازم است یا اینکه خدمات موجود می‌تواند همچنان ادامه یابد (Henggeler, 1983). باید توجه داشت که این نیازسنجی در نقاط مختلف کشور و روستاهای سراسر کشور، متفاوت است (Christenson, 1974). گاهی اوقات، دولتمردان و سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های خود را بر مبنای نیازسنجی یک روستا قرار داده و خدمت‌رسانی تمام روستاهای کشور را بر اساس نیازسنجی همان یک روستا انجام می‌دهند.

برنامه‌ریزی و اجرای مشارکتی طرح‌های توسعه روستایی

امروزه، مشارکت یکی از ابعاد ضروری توسعه روستایی می‌باشد (Menconi et al., 2017). مشارکت به‌ویژه برای فعالیت‌های مدیریتی مثل مدیریت جمعی آب در وضعیت امروز خشکسالی کشور، حائز اهمیت بسیار زیادی است (نوری‌پور و نوری، ۱۳۹۱). مطالعه محمدی‌یگانه و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که سطح مشارکت روستاییان بسیار پایین می‌باشد. مشارکت در نواحی روستایی دارای موانع متعددی است (پژوهان و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از عوامل شکست طرح‌های توسعه، مشارکتی نبودن آن‌هاست. به این معنی که متولیان توسعه طرحی را مصوب نموده و اجرای آن را به مأمورین دولتی واگذار می‌کنند. این مسئله، موانع و پیامدهای بسیاری را در پی دارد. اگر طرح‌های توسعه روستایی به شیوه مشارکتی برنامه‌ریزی و اجرا شود، از مزایای بسیاری برخوردار خواهد شد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

از جمله این مزایا آن است که اجرای این طرح‌ها تسهیل می‌شود؛ مردم روستا با آن مخالفت نمی-کنند؛ نیاز به بودجه کمتر خواهد بود؛ وقتی مردم در طرح‌های روستایی مشارکت داشته باشند، خود از آن‌ها محافظت می‌کنند. بنابراین مسئله مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه روستایی بسیار حائز اهمیت است.

آمارگیری، پژوهش و ارزشیابی دقیق

توسعه روستایی یک مبحث تخصصی است و در شمار رشته‌های علمی محسوب می‌شود. تصمیم-گیری و برنامه‌ریزی آن نیز باید بر مبنای داده‌ها و اطلاعات علمی باشد. بدون داشتن اطلاعات درباره میزان زمین، میزان زمین زراعی قابل‌کشت، میزان مرتع، میزان آب، میزان مصرف آب، تعداد خانوارها در مشاغل مختلف و ... در یک روستا، نمی‌توان برای بهبود و پیشرفت آن برنامه‌ریزی کرد. از دیگر منابع اطلاعاتی لازم برای برنامه‌ریزی، ارزشیابی طرح‌هایی است که قبلاً انجام شده است. ارزشیابی طرح‌های پیشین، به شناسایی نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت این طرح‌ها و همچنین طرح‌های مشابه کمک می‌کند (Bhandari, 2009). ازاین‌رو، لازم است که طرح‌های روستایی مورد ارزشیابی دقیق قرار بگیرند. از طرف دیگر، لازم است که این موارد از طریق روش‌های علمی و دقیق سنجیده شوند. زیرا برنامه‌ریزی‌های توسعه، کلان و در سطوح گسترده هستند و هر چه از دقت اطلاعات کاسته شود، کیفیت اجرای طرح‌ها به‌شدت کاهش می‌یابد. بنابراین، لازم است که اطلاعات از طریق پژوهش‌های علمی حاصل شوند. ازاین‌رو، آمار صحیح پژوهش و ارزشیابی از عناصر مهم توسعه روستایی محسوب می‌شوند.

توجه به بخش غیرکشاورزی در روستا

جنبه‌های بسیار زیادی در زندگی روستایی وجود دارد که کشاورزی یکی از آن‌هاست. به‌عنوان‌مثال، روستاییان به سایر موارد مثل خانه‌داری، صنعتگری، عرضه مواد غذایی از طریق فروشگاه و سایر فعالیت‌های خدماتی مشغول هستند که هر کدام از این‌ها نیازمند توسعه است. از طرفی، مسائل فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و ... لازم است که در بطن توجه قرار گیرند. زندگی روستاییان تنها به کشاورزی محدود نمی‌شود. هرچند زندگی آنان به کارشان گره خورده است و متأثر از شغلشان است، اما از یک طرف شغل همه آن‌ها کشاورزی نیست و از طرف دیگر آن‌ها نیز مانند جوامع شهری جنبه‌هایی از زندگی‌شان منفک از شغلشان است، که لازم است به آن توجه شود. در این راستا، توجه به فعالیت‌های غیرزراعی در نواحی روستایی بسیار حائز اهمیت می‌باشد (Davis et al., 2010).

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مسائل مفهومی توسعه روستایی

همان‌گونه که تاکنون به آن پرداخته شد، مشکلات روستا تنها به خود روستا بازنمی‌گردد؛ بلکه عواملی هم هستند که از بیرون این مشکلات را به وجود می‌آورند یا اینکه ممکن است آن‌ها را تشدید کنند. این عوامل، درست همان عواملی هستند که سعی در بهبود و رفع این مشکلات دارند، اما گاهی اوقات نه‌تنها به حل آن‌ها کمک نمی‌کنند، بلکه خود به علت آن تبدیل می‌شوند. ریشه چنین سازوکاری در فلسفه، پارادایم و مفاهیم مرتبط با توسعه روستایی است. اگر قرار است گامی در راستای بهبود وضعیت یک روستا برداشته شود و معضلات آن حل شود تا به توسعه رسید، ابتدا باید مفاهیم آن را به‌خوبی درک نمود. درک نادرست از مفاهیم توسعه روستایی، منجر به مشکلات مدیریتی می‌شود که به آن‌ها اشاره شد و در نهایت مشکلات متعدد روستا نیز رقم خواهد خورد.

مفهوم همه‌جانبه توسعه و توسعه روستایی

یکی از بزرگ‌ترین موانع در طول تاریخ مطالعات توسعه، نگاه تک‌بعدی به این مسئله است. همواره وقتی صحبت از توسعه می‌شود، جای بحث تکنولوژی نیز باز است. به این معنی که مفهوم توسعه با مفهوم تکنولوژی عجین شده است. این بیانگر آن است که توسعه به بهبود شرایط فناوری یک کشور مربوط است. به‌عبارت‌دیگر، کشور توسعه‌یافته، کشوری است که صرفاً تولیدات خود را در زمینه‌های صنعت یا کشاورزی بالا برده و همراه با یدک کشیدن نام یک "کشور صنعتی" لقب توسعه را به خود منتسب نماید. این نوع نگاه، تصویر حاصل از عینک اقتصادی توسعه است که شاخص توسعه را صرفاً در تولید ناخالص ملی می‌بینند. در ایران نیز، پرداختن به توسعه روستایی و کشاورزی در کنار مباحث صنعتی انجام می‌شود (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۸). این در حالی است که توسعه فراتر از مفهوم صرف صنعتی شدن و پیشرفت‌های اقتصادی است. شاهد آن هم شاخص‌هایی است که همه‌روزه از سوی سازمان‌های مختلف، نظیر سازمان ملل برای توسعه در نظر گرفته می‌شود که در آن‌ها علاوه بر توسعه اقتصادی به سایر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی نیز توجه شده است.

مفهوم روستا و جامعه روستایی

اندیشه‌های غالب بر توسعه روستایی ایران، همچنان دارای رنگ‌وبویی کهنه در رابطه با مفاهیم روستا و جامعه روستایی است. ذهنیت اندیشمندان توسعه روستایی همچنان متأثر از تفکرات راجرز است که فکر می‌کنند روستاییان روحیه نوآوری ندارند؛ از صنعتی شدن فرار می‌کنند، قوم‌گرا هستند و سطح آرزوهایشان پایین است (Rogers, 1965). در ایران، به کشاورزی همچنان به‌عنوان یک شغل نگریسته می‌شود. این در حالی است که امروزه کشاورزی یک فعالیت اجتماعی محسوب

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

می‌شود (Vanclay, 2004). چنین اندیشه‌ای راه را بر فرآیندهای توسعه می‌بندد. به‌عنوان‌مثال، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بر اساس همین تفکر به وجود آمده است، مشارکت ندادن روستاییان در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه روستایی می‌باشد.

تمایز بین توسعه روستایی و توسعه کشاورزی

از مهم‌ترین مشکلاتی که بر سر راه توسعه روستایی وجود دارد، این است که متولیان آن همواره توسعه روستایی را با توسعه کشاورزی برابر می‌دانند. هر زمان که صحبت از توسعه روستایی می‌شود، فوراً عبارت "افزایش تولید کشاورزی" پس از آن بحث شده است. این یک معضل پارادایمی و مفهومی بزرگ است که ریشه بسیاری از مشکلات توسعه روستایی می‌باشد. معادل دانستن توسعه روستایی و توسعه کشاورزی به معنی نادیده گرفتن روستاست. منطقه‌ای به نام روستا وجود دارد که بسیاری از جنبه‌های آن ارتباطی با کشاورزی ندارد. جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی روستا را نمی‌توان با توسعه کشاورزی بهبود بخشید. حتی اگر جنبه‌های مختلف زندگی روستاییان با کشاورزی مرتبط باشد، ضرورتاً نمی‌توان گفت که توسعه کشاورزی منجر به بهبود این جنبه‌ها نیز خواهد شد. بنابراین توجه به تمایز بین توسعه روستایی و توسعه کشاورزی بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، توسعه روستایی و توسعه کشاورزی دو مفهوم مجزا هستند و مشکلی که وجود دارد آن است که بسیاری از فعالان علمی و سیاستی در عرصه توسعه روستایی، این مفهوم را چیزی فراتر از توسعه کشاورزی نمی‌دانند (Van der Ploeg et al., 2000).

تعاریف دقیق عناصر مجموعه روستا

در حال حاضر، نگرش مشخصی برای توسعه روستایی وجود ندارد؛ راهبردهای توسعه نامشخص است و بسیاری از فعالیت‌ها و برنامه‌ها با نیازهای جامعه روستایی هماهنگ نیست (مهدوی و همکاران، ١٣٨٨). برای برنامه‌ریزی دقیق در زمینه توسعه روستایی، لازم است که حدود عناصر روستایی مشخص شود. متولیان توسعه بدون این که در نظر بگیرند به چه مکانی دقیقاً روستا گفته می‌شود؛ بدون مشخص کردن تعریف دقیق از روستایی، کشاورز یا بدون تعیین این که خرده‌مالک دقیقاً به چه کسی گفته می‌شود؛ در مورد آن‌ها تصمیم می‌گیرند. چگونه می‌توان از برنامه‌ای که تعریفی از روستا، روستایی، خرده‌مالک، بزرگ‌مالک، خوش‌نشین و همچنین روابط اجتماعی بین روستاییان ندارد، انتظار پیشرفت و تحول در توسعه روستایی داشت؟ گاهی اوقات تعریف‌های اشتباه نیز به همان اندازه تأثیر منفی خواهند گذاشت. چه بسیارند روستاهایی که با لقب گرفتن نام "شهر" از بسیاری از امکانات لازم و ضروری روستایی محروم شده‌اند. بنابراین نداشتن تعریف مناسب و همچنین تعریف اشتباه از عناصر روستا منجر به برنامه‌ریزی‌های ناکارآ خواهد شد.

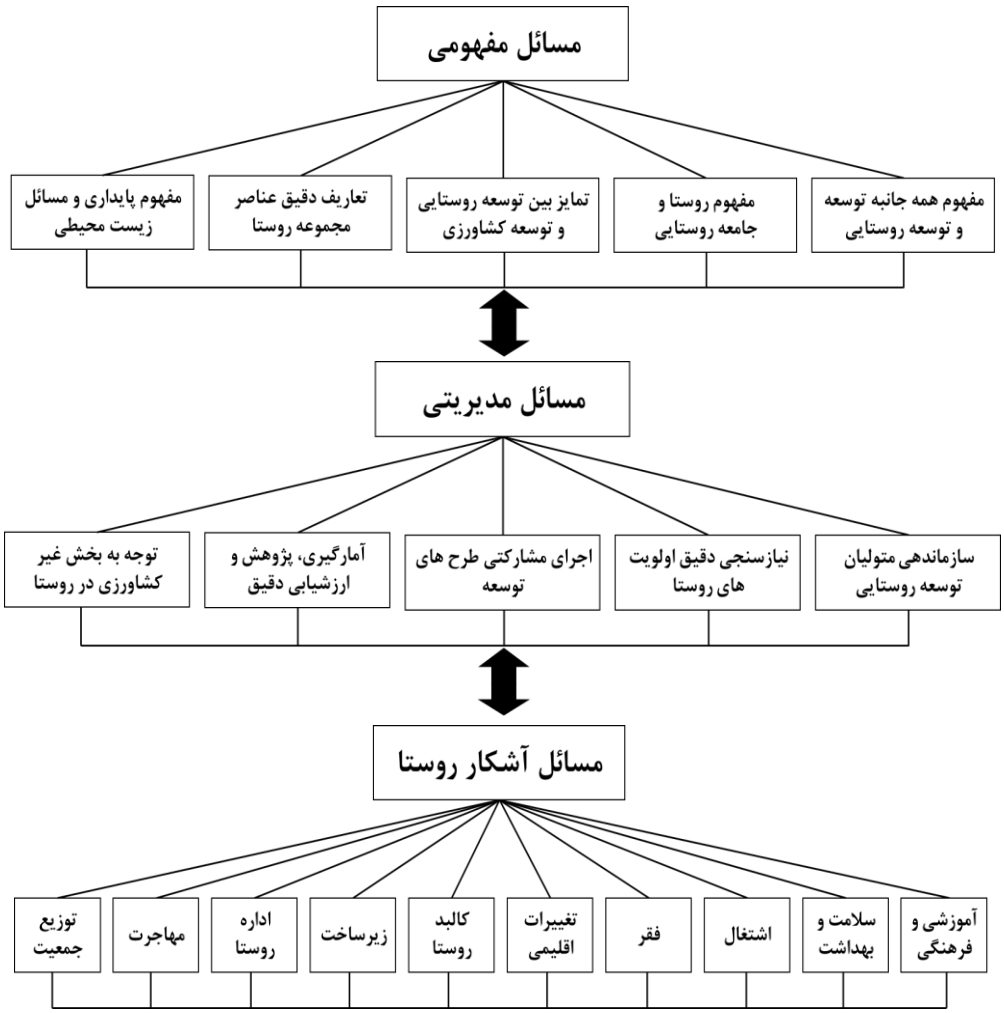
[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مفهوم پایداری و مسائل زیست‌محیطی

مشکلات زیست‌محیطی از مسائل عمده توسعه روستایی ایران محسوب می‌شود (عزمی و مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۹). پایداری و مسائل مربوط به محیط‌زیست، با توسعه روستایی و کشاورزی گره خورده است. نمی‌توان بدون در نظر داشتن این مفاهیم، برنامه‌ای را برای توسعه روستایی و کشاورزی تنظیم نمود. درست است که افزایش تولید کشاورزی یکی از لازمه‌های توسعه روستایی و کشاورزی است، اما سؤالی که مطرح می‌شود آن است که آیا افزایش تولیدات کشاورزی به قیمت آسیب رساندن به محیط‌زیست، فعالیتی در راستای توسعه روستایی است (Rezaei-Moghaddam et al., 2005). بنابراین فقدان درک مفاهیم گسترده زیست‌محیطی و پایداری، ممکن است که منجر به فاصله گرفتن از توسعه روستایی شود.

همان‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد، مشکلات عمده‌ای در روستا وجود دارد که ناشی از عوامل متعددی است. نمی‌توان تمام مشکلات را به درون روستا یا تمام آن‌ها را به بیرون از آن نسبت داد. بسیاری از مشکلات روستا ریشه در سازوکارهای مدیریتی در جنبه‌های مختلف روستا دارد. زمانی که این سازوکارها مورد بررسی قرار می‌گیرند، مشخص می‌شود که معضلات این سازوکارها نیز ریشه در مفاهیم پارادایمی مرتبط با توسعه روستایی دارد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان ریشه‌یابی قسمت عمده‌ای از مسائل و مشکلات مناطق روستایی ایران را در نمودار ۲ به تصویر کشید.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]



نمودار ۲: ارتباط مسائل و مشکلات نواحی روستایی ایران

خلاصه و نتیجه گیری

روانشناسی اجتماعی، از شاخه‌های علوم اجتماعی است. این شاخه، رفتار اجتماعی فرد در گروه و همچنین تأثیری که افراد در زندگی جمعی بر رفتار یکدیگر دارند را مطالعه می‌کند. هدف روان‌شناسی اجتماعی، تجزیه، تحلیل، واکاوی و فهم رفتار اجتماعی است. این دانش به کنش متقابل اجتماعی بین افراد توجه کرده و نقش و مقامی که آن‌ها در ساختار اجتماعی گرفته‌اند را بررسی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

می‌کند. روان‌شناسی اجتماعی به مطالعه این موضوع می‌پردازد که چگونه محیط اجتماعی، رفتار فرد را متأثر، محدود، تعدیل و یا تعویض می‌نماید (احمدی، ۱۳۹۳). با نگاهی به عناصر و مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی، می‌توان تفاهم مشترک این رشته و توسعه روستایی را درک نمود. از جمله مفاهیم و مباحث علم روان‌شناسی اجتماعی عبارت از رفتار اجتماعی؛ زندگی جمعی؛ کنش متقابل اجتماعی بین افراد؛ نقش افراد در ساختار اجتماعی و سایر مفاهیمی است که در مطالعات توسعه روستایی نیز حائز اهمیت می‌باشند. ازاین‌رو، بر مبنای ویژگی‌های یادشده در بخش مسائل مفهومی توسعه روستایی، برای تعیین دقیق مفهوم روستا و جامعه روستایی و همچنین تمایز بین توسعه کشاورزی و توسعه روستایی می‌توان از مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی بهره گرفت.

تعیین مفهوم روستا و جامعه روستایی ریشه در روابط متقابل روستاییان، نوع شغل و شیوه زندگی آنان دارد. روابط بین شهرنشینان و روستانشینان بسیار متفاوت است و همین مسئله‌ای است که در تعیین مفاهیم روستا و جامعه روستایی نادیده گرفته می‌شود و می‌توان به کمک علم روان‌شناسی اجتماعی این حوزه‌ها را تعیین نمود. عدم درک این تفاوت‌ها و در نظر نگرفتن روابط اجتماعی و کنش‌های متقابل مردم روستایی، منجر به انحراف فهم توسعه روستایی و در نظر گرفتن آن به‌مثابه توسعه کشاورزی می‌شود. علم روان‌شناسی اجتماعی حتی کشاورزی را نیز یک فعالیت اجتماعی می‌بیند، تا جایی که ونکلی (Vanclay, 2004) معتقد است کشاورزی، یک راه زندگی و یا راهی برای تشکیل زندگی است که مفهومی بسیار عمیق‌تر نسبت به هویت سایر شغل‌ها پیدا می‌کند. کشاورزی یک حرفه و یک عمل اجتماعی–فرهنگی است که با فرآیندهای اجتماعی تشکیل، تنظیم و کنترل می‌شود. چنین مفهومی از کشاورزی می‌تواند به درک توسعه کشاورزی در راستای توسعه روستایی کمک نماید.

کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در توسعه روستایی منجر به تمرکز بیشتر بر ابعاد زندگی و معیشت‌های غیرزراعی روستاییان خواهد شد، زیرا این علم به توسعه روابط اجتماعی و مسائل انسانی می‌پردازد و پرداختن به آن، ابعاد غیرکشاورزی توسعه روستایی را برجسته خواهد نمود. علم روان‌شناسی اجتماعی به رفتار فرد در گروه اجتماعی می‌پردازد. ازاین‌رو، این علم در مفاهیمی از توسعه روستایی مانند مشارکت و پذیرش فناوری‌ها بسیار مفید خواهد بود، زیرا یکی از مسائل عمده بر سر راه فرآیندهای پذیرش، این است که تصمیم فرد در یک گروه اجتماعی تحت تأثیر تصمیم سایر افراد در آن گروه خواهد بود (راجرز، ۲۰۰۰). همچنین در پرداختن به مسائل مفهومی توسعه روستایی مثل مفهوم پایداری و مسائل زیست‌محیطی، رشته روان‌شناسی اجتماعی نگاه و چشم‌انداز متفاوتی دارد و بر درک و شناخت زیست‌محیطی مردم در محیط‌های روستایی تأکید

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

می‌کند (Feimer, 1983). ابزارهای علم روان‌شناسی اجتماعی نیز برای مطالعات، طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های روستایی بسیار مفید می‌باشد. به‌عنوان‌مثال، ارزیابی نیازها[1] یکی از مفاهیم به‌شدت ضروری برای مباحث توسعه روستایی می‌باشد. هنگلر (Henggeler, 1983) موضوعات و مسائل ارزیابی نیاز در نواحی روستایی را از نگاه روان‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که ارزیابی نیاز در این رشته کاملاً متفاوت است و بهره‌گیری از آن بسیار کاربردی خواهد بود.

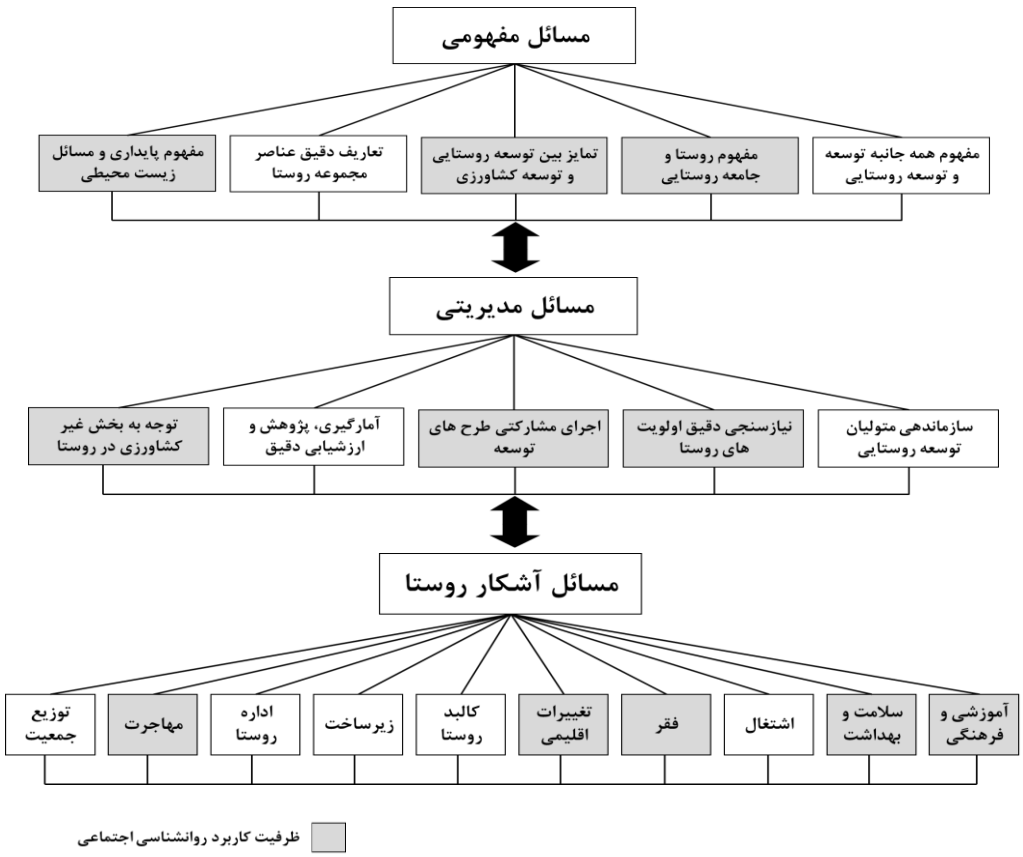
هنگلر همچنین کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در مسائل مربوط به سلامت و بهداشت روستایی را بسیار حائز اهمیت می‌داند. این مسئله تا جایی مهم است که برخی معتقدند روان‌شناسی اجتماعی باید به شکل خدمات به نواحی روستایی ارائه شوند. هاگلند (Hoagland, 1978) معتقد است که ساکنان روستا، علیرغم نیازهای مبرم سلامت روان، از خدمات آن به‌اندازه کافی برخوردار نیستند. علم روان‌شناسی اجتماعی در بررسی برخی از مسائل در سطح روستا نیز کاربرد دارد. به‌عنوان‌مثال، لفکورت و مارتین (Lefcourt & Martin, 1983) این رشته را در تجارب مختلف روستاییان کاربردی می‌دانند و از مفاهیمی مثل منبع کنترل[2] استفاده می‌کنند. چنین مفاهیمی در مباحثی از توسعه روستایی مثل تغییرات اقلیمی و بحران آب کاربرد فراوان دارد، زیرا نگرش بسیاری از کشاورزان نسبت به حفاظت از آب با همین مفهوم مرتبط است. بسیاری از آن‌ها، تغییرات اقلیمی را دارای منبع کنترل بیرونی مثل خرافات می‌دانند و سازگاری و تاب‌آوری در برابر آن را بی‌فایده می‌شمرند. بنابراین، روان‌شناسی اجتماعی با مفاهیم خود بر بهبود کیفیت زندگی روستاییان نیز اثرگذار خواهد بود و می‌توان از آن در بررسی مباحثی مثل فقر و مهاجرت نیز بهره گرفت (Karte, 1983). هود (Hood, 1983) روان‌شناسی اجتماعی را به لحاظ کاربرد آموزشی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی مثل نگرش[3] (برای بررسی زمینه‌های رفتاری)، پیش‌داوری[4] و تبعیض[5] (برای بررسی قومیت‌ها و مطالعات نژادی)، همنوایی[6] (برای مسائل مربوط به نفوذ اجتماعی) و همچنین نظریه‌هایی مانند نظریه نقش[7] (بر عمل یا وظیفه‌ای که فرد در جامعه انجام می‌دهد تأکید می‌کند)، نظریه کنش متقابل نمادی[8] (به مطالعه زندگی گروهی و رفتار فردی انسان

[1] Needs assessments
[2] Locus of control
[3] Attitude
[4] Prejudice
[5] Discrimination
[6] Conformity
[7] Role theory
[8] Symbolic interaction theory

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

می‌پردازد)، نظریه مبادله اجتماعی (به بررسی هزینه‌ها و پاداش در کنش‌های اجتماعی می‌پردازد) در مباحث آموزشی و فرهنگی توسعه روستایی کاربرد فراوانی دارند.

اکنون می‌توان با توجه به ماهیت علم روان‌شناسی اجتماعی و مباحث بررسی‌شده در زمینه توسعه روستایی، میزان ظرفیت کاربرد این علم را در توسعه روستایی درک نمود. همان‌گونه که در نمودار ۳ قابل مشاهده است، علم روان‌شناسی اجتماعی ظرفیت به‌کارگیری در بسیاری از مباحث توسعه روستایی را دارا می‌باشد.



نمودار ۳: کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در مسائل و مشکلات نواحی روستایی ایران

پیشنهادها

پس از توصیف مسائل و مشکلات توسعه روستایی، به تحلیل ظرفیت روان‌شناسی اجتماعی پرداخته شد. نتایج تطبیق ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد که این علم در تمام سطوح مسائل و

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

مشکلات روستایی قابلیت کاربرد دارد. همانگونه که بررسی ها نشان داد، مباحث توسعه روستایی دارای سه سطح مهم مفهومی، مدیریتی و آشکار هستند. از این رو علم روانشناسی اجتماعی که پیوند عمیقی با مباحث توسعه روستایی دارد، نباید نادیده گرفته شود. بر اساس مباحثی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت و یافته های حاصل از آن، پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

در سطح مفهومی، می‌توان از مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی برای تعیین مفاهیم روستا و جامعه روستایی، تمایز بین توسعه روستایی و توسعه کشاورزی و همچنین مفهوم پایداری و مسائل زیست‌محیطی بهره گرفت. در این راستا، بهره‌گیری از کارشناسان روان‌شناسی اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه روستایی سودمند خواهد بود.

بررسی‌ها بیانگر آن بود که روان‌شناسی اجتماعی در مسائل مدیریتی توسعه روستایی از قبیل نیازسنجی دقیق اولویت‌های روستا، اجرای مشارکتی طرح‌های توسعه و همچنین توجه به بخش غیرکشاورزی در روستا مفید است. در این راستا توصیه می شود که پژوهشگران توسعه روستایی، ابزارهای روان‌شناسی اجتماعی را شناسایی نموده و از آنها در سازوکارهای مهم برنامه‌های توسعه روستایی مثل ارزیابی نیاز استفاده نمایند.

همان‌گونه که در نمودار ۳ قابل مشاهده است، روان‌شناسی اجتماعی در مسائل آشکار روستا از قبیل مسائل آموزشی و فرهنگی، سلامت و بهداشت، فقر، تغییرات اقلیمی و بحران آب و مهاجرت نقش دارد. ازاین‌رو، بررسی این مباحث در پژوهش‌های توسعه روستایی از نگاه روان‌شناسی اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

ظرفیت کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در تمام سطوح مسائل و مشکلات توسعه روستایی حاکی از آن است که دانش در این زمینه برای دست‌اندرکاران و فعالین عرصه‌های دانشگاهی و اجرایی توسعه روستایی ضرورت دارد. ازاین‌رو، گنجاندن واحدهای روان‌شناسی اجتماعی در رشته‌های کشاورزی و توسعه روستایی پیشنهاد می‌شود. ماهیت اجتماعی روان‌شناسی اجتماعی و توسعه روستایی، زمینه مناسبی برای هرگونه پیوند پژوهشی و اجرایی بین این دو رشته را فراهم می‌نماید.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

منابع فارسی

احمدی، ح. (۱۳۹۳). *روان‌شناسی اجتماعی*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

تقی‌بیگی، م.، آگهی، ح.، و میرک‌زاده، ع. (۱۳۹۳). بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام آباد غرب. *پژوهش های روستایی*، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۲۸۰-۳۱۰.

پژوهان، ع.، عمانی، ا.، و سلمان‌زاده، س. (۱۳۹۵). تحلیل موانع مشارکت گندم کاران در زمینه تشکیل تشکل آب بران، شبکه آبیاری دز. *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*. جلد سوم، شماره ۳، صص ۳۶۵-۳۷۸.

تقدیسی، ا.، و احمدی شاپورآبادی، م. (۱۳۹۱). مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی. *تحقیقات جغرافیایی*، دوره بیست و هفتم، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۶۴.

خاکی، ر.، شهرکی، ج.، و برقندان، ک. تحلیل و بررسی وضعیت سلامت در توسعه روستایی ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه روستایی، تجارب و آینده‌نگری در توسعه محلی، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، قابل‌دسترسی در وبگاه اینترنتی: <https://www.civilica.com/Paper-STRD01-STRD01_018.html>

راجرز، ا. (۲۰۰۰). *رسانش نوآوری‌ها: رهیافت میان فرهنگی (عزت اله کرمی و ابوطالب فنایی، مترجمان)*. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

صادقی، ح.، فال‌سلیمان، م.، هاشمی، ص.، و فدایی، م. (۱۳۹۳). محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه پایدار در روستاهای مرزی شرق ایران مورد: دهستان بندان در شهرستان نهبندان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۳.

عزمی، آ.، و مطیعی لنگرودی، ح. (۱۳۸۹). مروری بر مشکلات زیست‌محیطی روستاهای ایران و راهکارهای حل این مشکلات. *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۳۳، صص ۱۱۰-۱۱۵.

محمدزاده لاریجانی، ف. (۱۳۸۹). بررسی اهمیت نقش آموزش در توسعه روستایی با تأکید بر روستاهای ایران. دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، تهران، دانشگاه تهران، قابل‌دسترسی در وبگاه اینترنتی: <http://www.civilica.com/Paper-IGSCUT02-IGSCUT02_096.html>

محمدی‌یگانه، ب.، عینالی، ج.، چراغی، م.، و فریحی، ف. (۱۳۹۱). تحلیلی بر موانع اقتصادی-اجتماعی مشارکت روستاییان در فرآیند مدیریت روستایی مطالعه موردی: دهستان لیشتر، شهرستان گچساران. *فرایند مدیریت و توسعه*، دوره بیست و ششم، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۴.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سری‌های زمانی میزان شهرنشینی کشور. قابل‌دسترسی در وبگاه اینترنتی: <http://www.amar.org.ir>

مهدوی، م.، علیائی، م. ص.، و ایل‌بیگی، ن. (۱۳۸۸). نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در توسعه‌نیافتگی روستایی (بخش کرفتو شهرستان دیواندره). *جامعه‌شناسی معاصر*، سال اول، شماره ٤، صص ۱۷۳-۱۵۵.

نوری‌پور، م.، و نوری، م. (۱۳۹۱). تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت آب‌بران شبکه آبیاری و زه‌کشی: مورد دشت لیشتر. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، جلد هشتم، شماره ۱، صص ۵۳-۷۱.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

یزدان‌پناه، م.، و منفرد، ن. (١٣٩١). واکاوی درک امکان‌پذیری مدیریت خشکسالی با استفاده از تحلیل مسیر: مورد مطالعه کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی استان بوشهر. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد هشتم، شماره ١، صص ٨٧-٩٩.

منابع لاتین

1. Bhandari, H. (2009). Sustainability of rural development projects. The eighth in a series of discussion papers produced by the Asia and the Pacific Division, IFAD.
2. Challe, S., Christopoulos, S., Kull, M., & Meuleman, L. (2017). Steering the Poverty-Environment Nexus in Central Asia: A Metagovernance Analysis of the Poverty Environment Initiative (PEI). Development Policy Review. doi: 10.1111/dpr.12237
3. Chambers, R. (2014). Rural development: Putting the last first. Routledge.
4. Christenson, J. A. (1974). Rural-urban Problems in North Carolina. Miscellaneous extension publication/North Carolina agricultural extension service, (113).
5. Colosio, C., Schillaci, G., Pavlisko, T. P., Hannich, H. J., Shintani, S., Takala, J., & van der Laan, G. (2016). The NEW Lodi Declaration on Rural Health. Adopted by the International Congress on Rural Health (ICRH) and the 4th International Conference Ragusa Safety Health Welfare in Agriculture, Agro-Food and Forestry Systems (Ragusa SHWA). La Medicina del Lavoro, 107(2), 158-159.
6. Davis, B., Winters, P., Carletto, G., Covarrubias, K., Quiñones, E. J., Zezza, A., ... & DiGiuseppe, S. (2010). A cross-country comparison of rural income generating activities. World Development, 38(1), 48-63.
7. Drăgulănescu, I. V., & Druţu, M. (2012). Rural tourism for local economic development. International Journal of Academic Research in Accounting, Finance and Management Sciences, 2(1), 196-203.
8. Feimer, N. R. (1983). Environmental perception and cognition in rural contexts. In Rural psychology (pp. 113-149). Springer US.
9. Hayati, D., & Karami, E. (2005). Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers. Journal of Economic psychology, 26(6), 884-901.
10. Hayati, D., Karami, E., & Slee, B. (2006). Combining qualitative and quantitative methods in the measurement of rural poverty: the case of Iran. Social Indicators Research, 75(3), 361-394.
11. Henggeler, S. W. (1983). Needs Assessments in Rural Areas Issues and Problems. In Rural psychology (pp. 217-231). Springer US.
12. Hoagland, M. (1978). A new day in rural mental services. New dimensions in mental health: Report from the Director, National Institute of Mental Health. Washington, D.C.: U.S. Government Printing Office.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]

13. Hood Jr, R. W. (1983). Social psychology and religious fundamentalism. InRural psychology (pp. 169-198). Springer US.
14. Hossain, S., & Uddin, M. A. (2006). Problems in Financing and Managing Small-Scale Enterprises in Bangladesh: An Empirical Study on Some Rural Areas of Chittagong and Cox's Bazar. The Social Sciences, 1(1), 22-28.
15. Keshavarz, M., Karami, E., & Vanclay, F. (2013). The social experience of drought in rural Iran. Land Use Policy, 30(1), 120-129.
16. Khan, A. U., Iqbal, T., & Rehman, Z. U. (2016). Impact of Human Capital on Poverty Alleviation in District Karak, Khyber Pakhtunkhwa. The Dialogue, 11(2), 228-228.
17. Khayyati, M., & Aazami, M. (2016). Drought impact assessment on rural livelihood systems in Iran. Ecological Indicators, 69, 850-858.
18. Karte, C. D. (1983). The quality of life in rural and urban America. In Rural psychology (pp. 199-216). Springer US.
19. Lefcourt, H. M., & Martin, R. A. (1983). Locus of control and the rural experience. In Rural psychology (pp. 151-168). Springer US.
20. Menconi, M. E., Grohmann, D., & Mancinelli, C. (2017). European farmers and participatory rural appraisal: A systematic literature review on experiences to optimize rural development. Land Use Policy, 60, 1-11.
21. Moseley, M. J. (2004). Sustainable Rural Development: the Role of Community Involvement and Local Partnerships. NATO Science Series Sub Series V Science and Technology Policy, 41, 125-135.
22. Raju, P. J., Mamatha, D. M., & Seshagiri, S. V. (2017). Sericulture Industry: A Bonanza to Strengthen. Handbook of Research on Science Education and University Outreach as a Tool for Regional Development, 267.
23. Rezaei-Moghaddam, K., Karami, E., & Gibson, J. (2005). Conceptualizing Sustainable Agriculture Iran as an Illustrative Case. Journal of Sustainable Agriculture. 27(3), 25-56.
24. Rogers, E. M. (1965). Mass media exposure and modernization among Colombian peasants. Public Opinion Quarterly, 29(4), 614-625.
25. Van der Ploeg, J. D. (1994). Born from within: practice and perspectives of endogenous rural development. Uitgeverij Van Gorcum.
26. Van der Ploeg, J. D., Renting, H., Brunori, G., Knickel, K., Mannion, J., Marsden, T., ... & Ventura, F. (2000). Rural development: from practices and policies towards theory. Sociologia ruralis, 40(4), 391-408.
27. Vanclay, F. (2004). Social principles for agricultural extension to assist in the promotion of natural resource management. Animal Production Science, 44(3), 213-222.
28. Wiggins, S. (2016). Agricultural and rural development reconsidered. A guide to issues and debates. IFAD Research Series 1.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-19]